بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

خارج فقه مطهرات - موارد استحباب شستن دست 10/3/1400

نهمین از موارد مستحب بودن پاشیدن آب : معابد یهود و نصاری و مجوس هست به شر ط اینکه بخواهد در آن همان نماز بخواند ، در مساله چهارم در ردیف نجاسات این مساله مطرح شد و در آنجا گفته شد که همه فقهای شیعه بر این فتوا اتفاق نظر دارند و روایات هم بر این فتوا وارد شده و دیگر از بحث آن صرفنظر می شود

مواردی که کشیدن دست به دیوار و خاک مستحب است :

یک : مصافحه با کافر کتابی است به شرط اینکه دستش مرطوب نباشد ، مسیحیت کافر هستند اما اهل کتاب هستند چون قائل به تثلیث اند و یهود هم کافر کتابی اند چون حضرت عزیر را ابن الله می دانند و اگر کسی به اینها دست بدهد این کار فوق مستحب است

دلیل ماهمان روایت خالد است که در درس قبل گفته شد ، تقریب استدلال این است که این ورایت مربوط به خشک بودن دست است چون اگر دست مرطوب باشد باید شسته شود و امام نمی فرمود اِمسحها بالتراب او بالحائط

دوم : دست زدن به سگ و خوک که مرطوب نباشد

سوم : دست زده به شیر و روباه است ، در این دو مورد دوم و سوم نصوص وارد نشده و فقط فتوای جماعتی از فقهاست لذا دلیل روایی بر این فتوا وجود ندارد ، ابن حمزه در الوسیله و جناب صدوق در مقتنعه و شیخ طوسی در النهایه قائل به وجوب کشیدن دست شدند و دلیل بر وجوب روشن نیست چون روایتی نیست و مراجع عظام به تبع سید در عروه قائل به استحباب شدند و از باب تسامح در ادله سنن فتوای به استحباب دادند یعنی شاید یک روایتی داشته اند که نزد ما نیست

اضافه کردن مورد دیگر : حق این است که مرحوم سید در متن عروه دست زدن به موش و قورباغه را هم اضافه می کرد چون در کتب فوق این دو مورد هم امده است ، مرحوم شیخ طوسی در مبسوط فرمود مستحب است مسح به دیوار و خاک برای دست زدن زن هر نجاست خشکی مثل غائط و از این قاعده کلیه استفاده می شود که دو تا حیوان فوق جزء مستحبات اند

فصل جدید : راه های ثابت شدن تطهیر است ، تارة : بحث از طهارت لباس است واخری بحث از تطهیر لباس است یعنی لباس نجس شده و شک دارم که آیا با این شستن پاک شده یا نه ؟

امر اول : علم وجدانی است یعنی خودم یقین دارم این لباس نجس تطهیر شدن است ‌علم و یقین درونی حجت ذاتی دارد و امضای شارع نمیخواهد

مورد دوم : شهادت دو نفر عادل است آنهم به دو صورت شهادت می دهند گاهی می گویند پاک شده و گاهی هم به سبب پاک شدن باشد اگر چه اسباب طهارت نزد برخی به عنوان مطهر مورد قبول نباشد مثل اینکه خبر میدهد که بر این اب نجس باران باریده و به مقداری باریده که نیاز به تطهیر ندارد حال ممکن است یکی از دو تا عادل باران را مطهر ندانند یا هر دو عادل باران را مطهر ندانند ولی من که می خواهم باران را مطهر می دانند و شهادت آن دو نفر درباره تطهیر این آب نجس حجت است و گاهی دو نفر عادل معتقدند به این که این آب پاک و در عین حال خبر می دهند که این شیی نجس با این آب پاک شده و من که استفاده کننده این شیی ام عقیده دارم که می دانم این شیی را به عنوان اینکه تطهیر شده استفاده کنم پس شهادت عادل هم در تطهیر و هم در سبب تطهیر است ، دلیل ما اجماع و اولویت قطعیه ای است که در مساله آب گذشت

سوم : اخبار ذی الید ( تطهیر ) به ما می گوید می توان به قول او عمل کرد و با آن عبا نماز بخوانند چون سیره مسلمین بر حجیت اخبار ذی الید مسلمان است و مسلمانان با اشیایی که در داخل خانه مسلمان است معامله پاکی می کنند.

چهارم : اگر مسلمان غایب سود

پنجم : اخبار وکیل تطهیر را ثابت می کند زیرا سیره پایدار در تمام شهر ها این بوده که اگر از دست کنیز پارچه ای را می گرفتند آن را در حکم پاک می دانستند. و الان مثل خشک شویی ها که قول او به همین دلیل صحیح است حال ادله اخبار وکیل چند چیز است :

یک : روایاتی که درباره لباسشویان وارد شده که آنها مزد می گیرند برای شستن لباس که اگر بگویند شستیم به قول آنها عمل کنید

دوم : جزّاری ، افرادی که حیوانات را سر می برند که اگر بگویند این حیوان را ذبح کردم قبول است

سوم : روایت حجّام ، کسی که حجامت می کنند که بگوید من محل زخم را شستم قبول کنید

چهارم : روایاتی که درباره کنیزها وارد شده است

پنجم‌ : عموم ادله وکالت حجیت این را جبران می کند

ششم : . شستن با دست مسلمان با عنوان تطهیر کردن گرچه ندانیم شستن او بر وجه شرعی هست یا نه و فعل او حمل بر صحت می شود

هفتم : برخی از فقها قائلند که اگر یک عادل خبر بده

بدهد که شیی نجس تطهیر شده قبول می شود. اما سید این را قبول ندارد و‌ در مساله ۶ مساله آب چاه بحث شده است ما در آنجا خبر واحد عادل را در موضوعات مثل احکام حجت می دانیم دلیل ما هم سیره و هم روایات است